

آینده برای آمریکا و ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ - شماره دو

خوردن پیام

Jeff Pippenger

2023-08-24

کمی پیش از پایان مهلت، فرمانی صادر می‌شود: «سخنان نبوت این کتاب را مهر نزن.»

و به من گفت: سخنان نبوت این کتاب را مهر مکن، زیرا زمان نزدیک است. آن که ستمکار است، بگذار همچنان ستمکار بماند؛ و آن که پلید است، بگذار همچنان پلید بماند؛ و آن که عادل است، بگذار همچنان عادل بماند؛ و آن که مقدس است، بگذار همچنان مقدس بماند. مکاشفه یوحنا ۱۰:۲۲، ۱۱.

در باب پنجم مکاشفه، خدا پدر بر تخت خود نشسته است و در دست خود کتابی دارد که به هفت مهر مختوم است.

و دیدم در دست راست آن که بر تخت نشسته بود، کتابی که درون و بر پشت آن نوشته شده بود و با هفت مهر مهر شده بود. مکاشفه ۵:۱.

در حالی که روایت از آیه نخست ادامه می‌یابد و تا باب هفتم پیش می‌رود، درمی‌یابیم که عیسی، که به‌عنوان «شیر قبیله یهودا» نمایانده شده است، همان کسی است که طومار را از دست پدر خود می‌گیرد و به تدریج گشودن مهرها را آغاز می‌کند. وقتی او مهر ششم را می‌گشاید و پیامی را که آن مهر نمایندگی می‌کند آشکار می‌سازد، باب ششم پایان می‌یابد. این باب با پرسشی پایان می‌گیرد که به باب هفتم راه می‌برد؛ جایی که پاسخ پرسش مطرح‌شده در آخرین آیه باب ششم را می‌یابیم.

زیرا روز عظیم غضب او فرا رسیده است؛ و کیست که بتواند بایستد؟ مکاشفه ۶:۱۷.

فصل هفتم، یکصد و چهل و چهار هزار نفر و «جمعیت عظیم» را معرفی می‌کند. پس از آنکه قوم خدا در فصل هفتم معرفی می‌شوند، می‌بینیم که مهر هفتم، که آخرین مهر است، گشوده می‌شود. تنها نبوت دیگری در کتاب مکاشفه که مهر شده است، «هفت رعد» فصل دهم است. نکته ساده این است که تنها نبوتی در کتاب مکاشفه که مهر شده و می‌تواند پیش از بسته شدن مهلت گشوده شود، «هفت رعد» است.

سال‌ها، اگر نگویم دهه‌ها، Future for America مشخص کرده است که "هفت رعد" نمایانگر چیست. "هفت رعد" نمایانگر تاریخ جنبش میلری از ۱۱ اوت ۱۸۴۰ تا ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ است. خواهر وایت این حقیقت را تأیید می‌کند و می‌افزاید که "هفت رعد" همچنین نمایانگر "رویدادهای آینده‌ای است که به ترتیب خود آشکار خواهند شد". برای کسانی که با این واقعیات نبوی آشنا نیستند، ارائه‌ای مفصل از این حقایق را می‌توان در "جداول حقوق" یافت.

حقیقت هفت رعد که در گذشته مطرح شده است همچنان حقیقت است، اما از ماه اوت امسال خداوند دست خود را از این موضوعات برداشته و فهم بیشتری آشکار شده است. از باب دهم مکاشفه آغاز می‌کنیم و سپس به شرح خواهر وایت بر آن باب می‌پردازیم. پیش از این کار، باید دو نکته را که نامرتب با بررسی هفت رعد هستند مشخص کنیم.

نکته نخست این است که شناسایی حقیقت «هفت تندر» که اکنون آشکار شده، نیازمند چندین جنبه از حقیقت است تا همه آنچه «هفت تندر» نمایانگر آن است در جای خود قرار گیرد. اینجاست، دعا

می‌کنم، شکیبایی قدیسان. نکته دوم مرتبط با این موضوع این است که برنامه‌ای که نسخه صوتی این مقالات را تولید می‌کند، در مدت زمانی که می‌تواند بخواند و سخن بگوید محدودیت دارد. هر مقاله باید در همان بازه زمانی بگنجد. از آغاز این مطالعه به شما اطلاع می‌دهم که برای تبیین حقیقتی که «هفت تندر» نمایانگر آن است به چند مقاله نیاز خواهد بود. اکنون به فصل دهم.

و دیدم فرشته‌ای نیرومند دیگر از آسمان فرود می‌آید که در لباسی از ابر پوشیده بود؛ و رنگین‌کمانی بر سر او بود، و چهره‌اش همچون خورشید، و پاهایش چون ستون‌های آتش. و در دستش کتابی کوچک گشوده داشت؛ و پای راست خود را بر دریا نهاد و پای چپش را بر زمین. و با صدای بلند فریاد زد، چنان‌که شیری غرد؛ و چون فریاد زد، هفت تندر آوازهای خود را برآوردند. و چون آن هفت تندر آوازهای خود را برآوردند، می‌خواستیم بنویسیم؛ اما آوازی از آسمان شنیدم که به من گفت: آنچه را که آن هفت تندر برآوردند مهر کن و آنها را ننویس. و آن فرشته‌ای که دیدم بر دریا و بر زمین ایستاده بود، دست خود را به سوی آسمان برافراشت، و به آن که تا ابدآباد زنده است، که آسمان و هرچه در آن است و زمین و هرچه در آن است و دریا و هرچه در آن است را آفرید، سوگند خورد که دیگر زمانی در کار نخواهد بود؛ لیکن در روزهای صدای فرشته هفتم، هنگامی که آغاز به دمیدن کند، راز خدا به انجام خواهد رسید، چنان‌که آن را به خادمان خود، پیامبران، اعلام کرده است. و آن آوا که از آسمان شنیدم، بار دیگر با من سخن گفت و گفت: برو و کتاب کوچک گشوده را که در دست آن فرشته است که بر دریا و بر زمین ایستاده، بگیر. پس نزد فرشته رفتم و به او گفتم: آن کتاب کوچک را به من بده. و به من گفت: بگیر و بخورش؛ شکمت را تلخ خواهد کرد، اما در دهانت چون عسل شیرین خواهد بود. و آن کتاب کوچک را از دست فرشته گرفتم و خوردم؛ در دهانم چون عسل شیرین بود، و به محض آنکه آن را خوردم، شکم تلخ شد. و به من گفت: باید بار دیگر در برابر قوم‌های بسیار و ملت‌ها و زبان‌ها و پادشاهان نبوت کنی. مکاشفه 10:1-11.

خواهر وایت درباره فصل دهم می‌گوید:

فرشته مقتدری که به یوحنا تعلیم داد، کسی جز خود عیسی مسیح نبود. اینکه پای راست خود را بر دریا و پای چپ را بر خشکی می‌نهد، نشان می‌دهد چه نقشی را در صحنه‌های پایانی نبرد عظیم با شیطان ایفا می‌کند. این موضع، قدرت و اقتدار مطلق او را بر سراسر زمین نشان می‌دهد. این جدال از عصری به عصر دیگر نیرومندتر و مصمم‌تر شده بود و تا صحنه‌های پایانی نیز چنین خواهد بود، آنگاه که کارکرد استادانه قوای تاریکی به اوج خود خواهد رسید. شیطان، متحد با مردمان شریر، تمام جهان و کلیساهایی را که محبت حقیقت را نمی‌پذیرند فریب خواهد داد. اما آن فرشته مقتدر توجه را به خود فرامی‌خواند. او با صدای بلند فریاد می‌زند. او بناست قدرت و اقتدار صدای خود را به کسانی که با شیطان برای مخالفت با حقیقت متحد شده‌اند، نشان دهد.

پس از آنکه این هفت رعد سخن گفتند، همان فرمانی که درباره کتابچه به دانیال داده شد، به یوحنا نیز می‌رسد: «آنچه را هفت رعد گفتند مهر کن.» این‌ها مربوط به رویدادهای آینده‌اند که به ترتیب خود آشکار خواهند شد. دانیال در پایان روزها در قرعه خود خواهد ایستاد. یوحنا کتابچه را گشوده می‌بیند. آنگاه نبوت‌های دانیال جایگاه شایسته خود را در پیام‌های فرشته اول، دوم و سوم که باید به جهان ابلاغ شوند، می‌یابند. برداشته شدن مهر از کتابچه، پیام مربوط به زمان بود.

کتاب‌های دانیال و مکاشفه یکی‌اند. یکی نبوت است، دیگری مکاشفه؛ یکی کتابی مهر شده، دیگری کتابی گشوده. یوحنا اسراری را که رعد‌ها بر زبان آوردند شنید، اما به او فرمان داده شد که آن‌ها را ننویسد.

نوری ویژه که به یوحنا داده شد و در هفت رعد بیان گردید، ترسیمی از رویدادهایی بود که در چارچوب پیام‌های فرشته اول و دوم رخ خواهند داد. به صلاح نبود که مردم از این امور آگاه شوند، زیرا ایمانشان ناگزیر باید آزموده می‌شد. در تدبیر خدا، حقایقی بسیار شگفت‌انگیز و پیشرو اعلام می‌شد. قرار بود پیام‌های فرشته اول و دوم اعلام شوند، اما تا زمانی که این پیام‌ها کار ویژه خود را به انجام نرسانده بودند، نور بیشتری قرار نبود آشکار شود. این موضوع با فرشته‌ای که یک پا بر دریا نهاده بود و با سوگندی بسیار جدی اعلام می‌کرد که دیگر زمان نخواهد بود، به تصویر کشیده شده است. تفسیر کتاب مقدس آدونتیست‌های روز هفتم، جلد ۷، صفحه ۹۷۱.

«فرشته نیرومند»ی که در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ فرود آمد، مسیح بود و در دست خود پیامی داشت که به یوحنا گفته شد آن را بخورد. آنچه یوحنا خورد، پیامی بود، اما به روشنی پیامی بود که باید به قوم خدا رسانده می‌شد، نه به جهان. مهم است که درک کنیم مخاطب این بخش کیست؛ زیرا هرچند مسیح در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ فرود آمد و این امر نشانه قدرت یافتن پیام فرشته اول بود و بدین‌سان زمان برده شدن پیام فرشته اول به سراسر جهان را مشخص می‌ساخت، اما همان کتابچه کوچکی که یوحنا باید می‌خورد نشان می‌دهد که پروتستان‌تیسیم چه زمانی ردای خود را به میلریتی‌ها واگذار کرد. وقتی مسیح با آن کتابچه فرود آمد، به رابطه عهدی خود با کلیسای که از بیابان بیرون آمده بود پایان می‌داد و هم‌زمان قوم میلریتی را به‌عنوان قوم برگزیده عهدی تازه خود معرفی می‌کرد. میلریتی‌ها قومی بودند که پیش‌تر قوم خدا نبودند. پیامبران هرگز با یکدیگر تناقض ندارند.

و به من گفت: ای پسر انسان، بر پای‌های خود بایست تا با تو سخن بگویم. و روح، چون با من سخن گفت، در من داخل شد و مرا بر پای‌هایم برپا داشت، و من آواز آن که با من سخن می‌گفت را شنیدم. و به من گفت: ای پسر انسان، تو را نزد بنی‌اسرائیل می‌فرستم، به نزد قومی یاغی که بر من عصیان ورزیده‌اند؛ ایشان و پدرانشان تا به امروز بر من تعدی کرده‌اند. زیرا آنان فرزندان وقیح و سخت‌دل‌اند. من تو را نزد ایشان می‌فرستم؛ و تو به ایشان خواهی گفت: چنین می‌گوید خداوند یهوه. و ایشان، خواه بشنوند و خواه امتناع ورزند (زیرا که خانه‌ای یاغی‌اند)، با این همه خواهند دانست که در میانشان نبی‌ای بوده است. و تو، ای پسر انسان، از ایشان مترس و از سخنانشان بیم مدار؛ اگرچه خارها و تیغ‌ها با تو باشد و تو در میان عقرب‌ها ساکن باشی؛ از سخنانشان مترس و از نگاه‌هایشان مرعوب مشو، هرچند خانه‌ای یاغی‌اند. و تو کلمات مرا به ایشان بگو، خواه بشنوند و خواه امتناع ورزند؛ زیرا که بسیار یاغی‌اند. اما تو، ای پسر انسان، آنچه به تو می‌گویم بشنو؛ مانند آن خانه یاغی، یاغی مباش؛ دهان خود را بگشا و آنچه به تو می‌دهم بخور. و چون نظر افکندم، اینک دستی به سوی من فرستاده شد، و اینک طوماری از کتاب در آن بود؛ و آن را پیش من گشود؛ و از اندرون و بیرون نوشته شده بود؛ و در آن مرائی و ناله و وای نوشته بود. و نیز به من گفت: ای پسر انسان، آنچه می‌یابی بخور؛ این طومار را بخور و برو با کلمات من با خانه اسرائیل سخن بگو. پس دهانم را گشودم و او مرا واداشت تا آن طومار را بخورم. و به من گفت: ای پسر انسان، شکم خود را به خوردن وادار و اندرونهات را از این طوماری که به تو می‌دهم پر ساز. آنگاه آن را خوردم و در دهانم چون عسل شیرین بود. و به من گفت: ای پسر انسان، برخیز، نزد خانه اسرائیل برو و با کلمات من با ایشان سخن بگو. زیرا تو نزد قومی با گفتاری بیگانه و زبانی دشوار فرستاده نشده‌ای، بلکه نزد خانه اسرائیل؛ نه نزد اقوام بسیار با گفتاری بیگانه و زبانی دشوار که سخنانشان را نتوانی فهمید. به راستی اگر تو را نزد ایشان می‌فرستادم، به تو گوش فرا می‌دادند. اما خانه اسرائیل به تو گوش فرا نخواهند داد؛ زیرا به من گوش فرا نمی‌دهند، چونکه تمامی خانه اسرائیل وقیح و سخت‌دل‌اند. اینک روی تو را سخت برابر روی‌های ایشان ساختم، و پیشانی‌ات را سخت برابر پیشانی‌های ایشان. پیشانی‌ات را چون الماسی که سخت‌تر از سنگ چخماق است ساخته‌ام؛ از ایشان مترس و از نگاه‌هایشان مرعوب مشو، هرچند خانه‌ای یاغی‌اند. و نیز به من گفت: ای پسر انسان، تمامی سخنانی را که با تو سخن می‌گویم در دل خود بپذیر و با گوش‌های خود بشنو. حزقیال ۱: ۳-۱۰.

وقتی مسیح با کتابچه‌ای کوچک فرود آمد که یوحنا آن را گرفت و خورد، آن «در دهانش مانند عسل شیرین» بود. یوحنا، صاحب مکاشفه، و حزقیال، هر دو پیامی را از «دست» مسیح می‌گیرند. حزقیال، و بنابراین یوحنا نیز، پیامی برای رساندن به «خاندان اسرائیل» داشتند، نه به کسانی که بیرون از اسرائیل بودند. اگر آنان که بیرون از اسرائیل بودند آن پیام را شنیده بودند، آن را می‌پذیرفتند، اما اسرائیل نه؛ زیرا «تمام خاندان» اسرائیل «گستاخ و سخت‌دل‌اند». تمام خاندان اسرائیل (همه خاندان) کاملاً سرکش بودند. اسرائیل در سال ۱۸۴۰، در فصل دهم مکاشفه، به‌عنوان «کلیسا در بیابان» به تصویر کشیده شده بود. آنها جام دوره آزمایشی خود را پر کرده بودند.

گرچه اسرائیل آن پیام را نمی‌شنید، با این حال به نبی فرمان داده شد پیام کتابچه کوچک را به آنان برساند، تا بابت رد نور فرشته نخستین پاسخ‌گو باشند. در کتاب‌های داوری، آنان باید به سبب امتناع از شنیدن پیام «نبی» که «در میانشان» بود، پاسخ‌گو شناخته می‌شدند. رد نبی در حکم رد آن پیامی است که فرشته جبرئیل به او داده بود، و خود جبرئیل آن پیام را از مسیح دریافت کرده بود، و مسیح آن را از پدر گرفته بود. هنگامی که مسیح با پیام کتابچه کوچک در دستش فرود آمد، این با فرود آمدن روح‌القدس در هنگام تعمیدش همسان بود. و آن پیش‌تر در واقعه بوته سوزان به‌دست موسی نمودار شده بود، و همان نشانه راهی است که در هر جنبش اصلاحی وجود دارد.

کار خدا بر روی زمین، از عصری به عصر دیگر، در هر اصلاح بزرگ یا جنبش دینی، شباهتی چشمگیر را نشان می‌دهد. اصول برخورد خدا با انسان‌ها همواره یکسان است. جنبش‌های مهم زمان حاضر در گذشته نظایر خود را دارند، و تجربه کلیسا در اعصار پیشین برای زمان ما درس‌هایی بسیار ارزشمند در بر دارد. مناقشه عظیم، ۳۴۳.

زوال برتری عثمانی در 11 اوت 1840، (که همان زمانی است که یوحنا و حزقیال کتابچه کوچک را که در «دست» مسیح بود، خوردند)، نشانگر «قدرت‌یابی» پیام فرشته اول است که در سال 1798 در «زمان پایان» «فرارسیده» بود. این پیام با تأیید اصلی‌ترین قاعده نبوتی میلرایتی‌ها؛ اصل «یک روز به ازای یک سال»، «قدرت گرفت». سپس مسیح، همان‌گونه که در هنگام تعمیدش انجام داده بود، پی‌ریزی بنیاد معبد میلرایتی را آغاز کرد.

ایمان متزلزل نتائیل اکنون استوار شد، و در پاسخ گفت: «ربی، تو پسر خدایی؛ تو پادشاه اسرائیل هستی.» عیسی در پاسخ به او گفت: «آیا از آن‌رو ایمان آوردی که به تو گفتم تو را زیر درخت انجیر دیدم؟ چیزهای بزرگ‌تر از این خواهی دید.» و به او گفت: «آمین، آمین، به شما می‌گویم: از این پس آسمان را گشوده خواهید دید و فرشتگان خدا را که بر پسر انسان بالا می‌روند و فرود می‌آیند.»

"در این چند شاگرد نخستین، بنیاد کلیسای مسیحی با تلاش فردی نهاده می‌شد. یوحنا نخست دو تن از شاگردان خود را به سوی مسیح راهنمایی کرد. سپس یکی از اینان برادری یافت و او را نزد مسیح آورد. آنگاه او فیلیپ را فراخواند تا از او پیروی کند، و او به جستجوی نتائیل رفت." روح نبوت، جلد ۲، ۶۶.

وقتی مسیح در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ با کتابچه‌ای کوچک که در دستش گشوده بود فرود آمد، آن امر پیش‌تر در جنبش اصلاحی تاریخ زمینی مسیح از پیش ترسیم شده بود، زیرا هر جنبش اصلاحی دارای همان نشانه‌های راه یکسان است. موسی و جنبش اصلاحی‌ای که او آغاز و رهبری کرد نیز همان نشانه راه را داشتند. تجربه موسی نزد بوته سوزان نماز نزل روح‌القدس در تعمید مسیح بود، که خود به نوبه خود نماز سال ۱۸۴۰ بود، که آن نیز به نوبه خود نماز ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ است، زمانی که فرشته نیرومند مکاشفه باب هجده فرود آمد.

«آمدن» پیام فرشته نخست، و «آمدن» پیام فرشته دوم و «آمدن» پیام فرشته سوم، همگی با فرشتگانی نشان داده شده‌اند. فرشته نخست در دست خود کتابچه‌ای کوچک دارد، فرشته دوم در دست خود نوشته‌ای داشت و فرشته سوم در دست خود طوماری داشت. به شهادت دو یا سه نفر، حقیقتی استوار می‌شود. هر سه فرشته، چه در هنگام آمدنشان و چه هنگام قدرت گرفتنشان، پیامی در دست دارند.

یوحنا و حزقیال نماینده کسانی هستند که هنگامی که پیام فرشته اول «قدرت یافت»، پیام را خوردند؛ که این، نشانه راه تاریخی متفاوتی با زمانی است که پیام فرشته اول در سال ۱۷۹۸ «رسید».

تفاوت میان «ورود» یک پیام و «قدرت‌گیری» آن، تمایزی بسیار مهم است که باید به آن توجه داشت. هنگامی که فراز زیر را در نظر می‌گیریم، توجه داشته باشید که هدف فرشته نخست با هدف آن فرشته در باب هجدهم مکاشفه که زمین را با جلال خود روشن می‌کند، یکسان است. همچنین توجه کنید که هر پیام موجب انشاقی می‌شود و دو گروه پرستنده پدید می‌آورد.

توجهی که تمام آسمان به کاری که بر زمین در جریان بود می‌ذول داشته بود، به من نشان داده شد. عیسی فرشته‌ای نیرومند [فرشته اول] را مأمور کرد که فرود آید و ساکنان زمین را هشدار دهد تا برای ظهور دوم او آماده شوند. هنگامی که فرشته حضور عیسی را در آسمان ترک کرد، نوری بسیار درخشان و پر جلال پیشاپیش او می‌رفت. به من گفته شد که مأموریت او این است که زمین را با جلال خود روشن سازد و انسان را از خشم قریب‌الوقوع خداوند برحذر دارد. انبوهی از مردم آن نور را پذیرفتند. برخی از آنان بسیار موقر و جدی می‌نمودند، در حالی که برخی دیگر شادمان و مجذوب بودند. همه کسانی که نور را پذیرفتند، روی خود را به سوی آسمان کردند و خدا را تمجید نمودند. گرچه بر همگان می‌تابید، برخی فقط زیر تأثیر آن قرار گرفتند، اما آن را از صمیم دل نپذیرفتند. بسیاری سخت خشمگین شدند. خادمان دینی و مردم با پلیدان متحد شدند و در برابر نوری که از سوی آن فرشته نیرومند افشانه می‌شد، سرسختانه مقاومت کردند. اما همه کسانی که آن را پذیرفتند، از دنیا کناره گرفتند و به طور تنگاتنگ با یکدیگر متحد شدند.

شیطان و فرشتگانش با جدیت در تلاش بودند ذهن‌های هر چه بیشتری را از نور منحرف کنند. جماعتی که آن را رد کرد، در تاریکی رها شد. دیدم فرشته خدا با عمیق‌ترین توجه مراقب کسانی بود که خود را از آن او می‌دانستند، تا منشی را که در ایشان شکل می‌گرفت هنگامی که پیام آسمانی به آنان ارائه می‌شد، ثبت کند. و چون بسیاری از کسانی که مدعی محبت به عیسی بودند با تحقیر، استهزا و نفرت از پیام آسمانی روی پرتافتند، فرشته‌ای با طوماری در دست آن ثبت شرم‌آور را به عمل آورد. تمام آسمان از خشم آکنده شد که عیسی بدین‌سان از سوی پیروان مدعی‌اش خوار شمرده شود.

من ناامیدی توکل‌کنندگان را دیدم، زیرا پروردگارشان را در زمان مورد انتظار ندیدند. قصد خدا این بود که آینده را پنهان بدارد و قوم خود را به نقطه تصمیم برساند. بدون موعظه زمان معین برای آمدن مسیح، کاری که خدا طرح کرده بود به انجام نمی‌رسید. شیطان بسیاری را وامی‌داشت که رویدادهای بزرگ مربوط به داوری و پایان دوره مهلت را در آینده‌ای دور بجویند. لازم بود که مردم به جایی رسانده شوند که با جدیت در پی آمادگی کنونی باشند.

با گذشت زمان، کسانی که نور فرشته را به طور کامل نپذیرفته بودند با کسانی که پیام را خوار شمرده بودند متحد شدند و نومیدشدگان را به ریشخند گرفتند. فرشتگان وضعیت پیروان مدعی مسیح را ثبت کردند. گذشت وقت معین آنان را آزموده و آشکار کرده بود، و بسیاری در ترازو سنجیده شدند و ناقص یافت شدند. آنان با صدای بلند ادعا می‌کردند که مسیحی‌اند، اما تقریباً در هر زمینه‌ای از پیروی مسیح باز می‌ماندند. شیطان از وضعیت پیروان مدعی عیسی شادمانی می‌کرد.

او آن‌ها را در دام خود گرفتار کرده بود. او اکثریت را به ترک راه راست کشانده بود، و آنان می‌کوشیدند از راهی دیگر به آسمان بالا روند. فرشتگان دیدند که پاکان و مقدسان با گناهکاران در صهیون و با ریاکاران دنیا دوست درهم آمیخته‌اند. آنان از شاگردان حقیقی عیسی پاسداری کرده بودند؛ اما فاسدان بر مقدسان تأثیر می‌گذاشتند. کسانی که دل‌هایشان از اشتیاق سوزان برای دیدن عیسی می‌سوخت، از سوی برادران مدعی‌شان از سخن گفتن درباره آمدن او منع می‌شدند. فرشتگان این صحنه را می‌نگریستند و با بازماندگانی که ظهور خداوندشان را دوست می‌داشتند همدردی می‌کردند.

فرشته‌ای نیرومند دیگر [فرشته دوم] مأمور شد تا به زمین فرود آید. عیسی نوشته‌ای در دست او نهاد، و چون به زمین آمد، ندا داد: «بابل سقوط کرده است، سقوط کرده است.» سپس دیدم که ناامیدشدگان بار دیگر چشمان خود را به سوی آسمان بلند کردند و با ایمان و امید در انتظار ظهور خداوندشان بودند. اما بسیاری گویی در حالتی کرخت و مبهوت، چنان‌که انگار در خواب بودند، باقی مانده بودند؛ با این همه، می‌توانستم نشان اندوهی ژرف را بر چهره‌هایشان ببینم. ناامیدشدگان از کتاب مقدس دریافتند که در زمان تأخیر بودند و اینکه باید با شکیبایی در انتظار تحقق رؤیا بمانند. همان شواهدی که آنان را بر آن داشت در سال ۱۸۴۳ چشم‌به‌راه خداوندشان باشند، آنان را بر آن داشت که در سال ۱۸۴۴ نیز انتظار او را بکشند. با این حال، دیدم که اکثریت دیگر آن شور و حرارتی را که در سال ۱۸۴۳ نشان ایمانشان بود، نداشتند. ناامیدی‌شان ایمانشان را سست کرده بود.

هنگامی که قوم خدا در فریاد فرشته دوم یکدل شدند، سپاه آسمانی با عمیق‌ترین توجه اثر آن پیام را می‌نگریست. آنان دیدند بسیاری از کسانی که نام مسیحی بر خود داشتند، با تحقیر و استهزا به کسانی که نومید شده بودند تاختند. همین که این کلمات از لبان ریشخندکننده فرو ریخت: «هنوز بالا نرفته‌اید!» فرشته‌ای آن‌ها را نوشت. فرشته گفت: «آن‌ها خدا را مسخره می‌کنند.» توجهم به گناه مشابهی در روزگاران کهن جلب شد. ایلیا به آسمان برده شده بود و ردایش بر الیشع افتاده بود. آنگاه گروهی از جوانان شریب که از والدین خود آموخته بودند مرد خدا را خوار شمارند، به دنبال الیشع رفتند و با تمسخر فریاد زدند: «بالا برو، ای کچل؛ بالا برو، ای کچل.» با اهانت به خدمتگزار او، به خدا اهانت کردند و همان‌جا به سزای خود رسیدند. به همین سان، آنان که اندیشه بالا رفتن مقدسان را به ریشخند گرفته و مسخره کرده‌اند، مورد غضب خدا قرار خواهند گرفت و به آن‌ها فهمانده خواهد شد که شوخی گرفتن با آفریننده‌شان امر کوچکی نیست.

عیسی فرشتگان دیگری را مأمور کرد که به سرعت پرواز کنند تا ایمان سست‌شده قومش را احیا و تقویت کنند و آنان را آماده سازند تا پیام فرشته دوم و اقدام مهمی را که به زودی در آسمان صورت می‌گرفت، درک کنند. دیدم این فرشتگان از عیسی قدرت و نوری عظیم دریافت کردند و برای انجام مأموریت خود، در یاری‌رساندن به فرشته دوم در کارش، به سرعت به سوی زمین پرواز کردند. هنگامی که فرشتگان ندا سر دادند: «اینک داماد می‌آید؛ به استقبال او بیرون روید»، نوری عظیم بر قوم خدا تابید. سپس دیدم این نومیدشدگان برخاستند و هم‌آواز با فرشته دوم اعلام کردند: «اینک داماد می‌آید؛ به استقبال او بیرون روید.» نوری که از فرشتگان می‌تابید، در همه‌جا به تاریکی نفوذ کرد. شیطان و فرشتگانش کوشیدند مانع از گسترش این نور و اثرگذاری موردنظر آن شوند. آنان با فرشتگان آسمانی به ستیز برخاستند و به آنان می‌گفتند که خدا مردم را فریب داده است و اینکه با همه نور و قدرتشان هم نمی‌توانند کاری کنند که جهانیان باور کنند مسیح می‌آید. اما با وجود اینکه شیطان می‌کوشید راه را سد کند و ذهن‌های مردم را از نور برگرداند، فرشتگان خدا کار خود را ادامه دادند...

هنگامی که خدمت عیسی در مکان مقدس پایان یافت و او به قدس‌القادس وارد شد و در برابر صندوق عهد حاوی شریعت خدا ایستاد، فرشته نیرومند دیگری را با پیامی سوم به جهان فرستاد.

طوماری در دست فرشته نهاده شد، و چون با قدرت و شکوه به زمین فرود آمد، هشدار هولناک اعلام کرد، با دهشتناک‌ترین تهدیدی که تا کنون به انسان ابلاغ شده بود. این پیام برای آن بود که فرزندان خدا را بر حذر دارد، با نشان دادن ساعت آزمون و رنجی که پیش رویشان بود. فرشته گفت: «آنها به رویارویی نزدیک با وحش و صورت او کشانده خواهند شد. تنها امیدشان به حیات جاودان این است که استوار بمانند. گرچه جانشان در خطر است، باید حقیقت را محکم نگاه دارند.» فرشته سوم پیام خود را این‌گونه به پایان می‌رساند: «اینجاست شکیبایی مقدسین؛ اینانند که احکام خدا را نگاه می‌دارند و ایمان عیسی را.» چون این سخنان را تکرار می‌کرد، به قدس آسمانی اشاره نمود. اندیشه‌های همه کسانی که این پیام را می‌پذیرند، به قدس‌الاقداص معطوف می‌شود؛ جایی که عیسی در برابر صندوق عهد ایستاده است و برای همه کسانی که هنوز رحمت شامل حالشان است و نیز برای آنان که از سر نادانی شریعت خدا را شکسته‌اند، آخرین شفاعت خود را به‌جا می‌آورد. این کفار هم برای مردگان عادل و هم برای زندگان عادل به عمل می‌آید. این شامل همه کسانی است که با اعتماد به مسیح درگذشته‌اند، اما چون نور مربوط به احکام خدا را دریافت نکرده بودند، در تجاوز به فرامین آن از سر نادانی گناه کرده بودند. نوشته‌های نخستین، ۲۴۵-۲۵۴.

چند صفحه بعدتر در همان کتاب، در حالی که به همان مفاهیمی که به‌تازگی به آن‌ها اشاره شد می‌پردازد، خواهر وایت نشان می‌دهد که رد سه پیام در تاریخ میلریتی‌ها در تاریخ مسیح تمثیل شده بود. او در آنجا دو شاهد ارائه می‌کند که فرایند آزمون تدریجی‌ای را مشخص می‌کنند که برای پیش رفتن به آزمون بعدی، پیروزی در هر آزمون را لازم می‌سازد.

من جماعتی را دیدم که به‌خوبی محافظت‌شده و استوار ایستاده بودند و به کسانی که می‌خواستند ایمان تثبیت‌شده جماعت را متزلزل کنند هیچ تأییدی نشان نمی‌دادند. خدا با خشنودی بر ایشان نگریست. سه گام به من نشان داده شد—پیام‌های سه فرشته: نخست، دوم و سوم. فرشته همراه من گفت: «وای بر کسی که سنگی را جابه‌جا کند یا میخی را در این پیام‌ها بجنباند. فهم درست این پیام‌ها اهمیتی حیاتی دارد. سرنوشت جان‌ها به نحوه پذیرفته‌شدن آنها وابسته است.» بار دیگر از میان این پیام‌ها گذرانده شدم و دیدم که قوم خدا تجربه خود را به چه بهای گزافی به دست آورده‌اند. آن از رهگذر رنج‌های بسیار و نبردی سخت به دست آمده بود. خدا آنان را گام به گام رهبری کرده بود تا ایشان را بر سکویی محکم و تکان‌ناپذیر قرار دهد. دیدم افرادی به سکو نزدیک شدند و شالوده‌اش را واریسی کردند. برخی با شادمانی بی‌درنگ بر آن گام نهادند. دیگران شروع کردند به عیب‌جویی از شالوده. می‌خواستند اصلاحاتی صورت گیرد تا سکو کامل‌تر شود و مردم بسیار شادمان‌تر باشند. برخی از سکو پایین آمدند تا آن را بررسی کنند و اعلام کردند که بنیانش نادرست نهاده شده است. اما دیدم که تقریباً همه بر سکو استوار ایستاده بودند و به کسانی که پایین آمده بودند اندرز دادند که از شکایت دست بردارند؛ زیرا خدا استاد بنا بود و آنان با او می‌ستیزیدند. آنان کارهای شگرف خدا را که ایشان را به سکو استوار رسانده بود بازگفتند، و به اتفاق چشم‌های خود را به آسمان بلند کردند و با صدای بلند خدا را تمجید کردند. این امر بر برخی از کسانی که شکایت کرده و سکو را ترک کرده بودند اثر گذاشت، و آنان با چهره‌ای فروتنانه بار دیگر بر آن گام نهادند.

توجه‌ام دوباره به اعلان ظهور نخستین مسیح جلب شد. یوحنا در روح و قدرت الیاس [نماد پیام فرشته اول] فرستاده شد تا راه عیسی را آماده سازد. آنان که شهادت یوحنا را رد کردند از تعالیم عیسی [نماد پیام فرشته دوم] بهره‌ای نبردند. مخالفتشان با پیامی که آمدنش را خبر می‌داد، ایشان را چنان در جایگاهی قرار داد که نتوانند به‌آسانی قوی‌ترین ادله بر اینکه او مسیح است را بپذیرند. شیطان کسانی را که پیام یوحنا را رد کردند بر آن داشت که فراتر بروند، تا مسیح را رد کرده و به صلیب بکشند [نماد پیام فرشته سوم]. با این کار خود را در موضعی قرار دادند که نتوانند برکت روز پنتیکاست را دریافت کنند، [نماد فرشته باب هجده مکاشفه] برکتی که راه ورود

به قدس‌گاه آسمانی را به آنان می‌آموخت. دریده شدن پردهٔ هیكل نشان داد که قربانی‌ها و فرایض یهودی دیگر پذیرفته نخواهند شد. قربانی عظیم تقدیم و پذیرفته شده بود، و روح‌القدس که در روز پنتیکاست نازل شد، اندیشه‌های شاگردان را از قدس‌گاه زمینی به آسمانی برد؛ جایی که عیسی با خون خود داخل شده بود تا بر شاگردانش برکات کفارهٔ خود را فرو بریزد. اما یهودیان در تاریکی مطلق باقی ماندند. تمامی نوری را که ممکن بود دربارهٔ طرح نجات داشته باشند از دست دادند، و همچنان به قربانی‌ها و تقدیمات بی‌فایدهٔ خود اعتماد داشتند. قدس‌گاه آسمانی جای قدس‌گاه زمینی را گرفته بود، با این حال آنان از این تغییر بی‌خبر بودند. از این رو نمی‌توانستند از شفاعت مسیح در مکان مقدس بهره‌مند شوند.

بسیاری با وحشت به رفتار یهودیان در رد کردن و به صلیب کشیدن مسیح می‌نگرند؛ و هنگامی که تاریخ بدرفتاری شرم‌آمیز با او را می‌خوانند، می‌پندارند که او را دوست دارند و هرگز چون پطرس او را انکار نمی‌کردند یا چون یهود او را به صلیب نمی‌کشیدند. اما خدایی که دل‌های همه را می‌خواند، همان محبتی را که مدعی احساسش نسبت به عیسی بودند به بوتهٔ آزمایش گذاشته است. تمام آسمان با عمیق‌ترین علاقه نظاره‌گر پذیرش پیام فرشتهٔ اول بود. اما بسیاری از کسانی که مدعی محبت به عیسی بودند و هنگام خواندن داستان صلیب اشک می‌ریختند، بشارت آمدن او را استهزا کردند. به جای آنکه پیام را با شادی بپذیرند، آن را فریبی خواندند. آنان کسانی را که ظهور او را دوست می‌داشتند دشمن گرفتند و ایشان را از کلیساها بیرون راندند. آنانی که پیام نخست را رد کردند، از پیام دوم بهره‌ای نتوانستند برد؛ و نیز از فریاد نیمه‌شب، که می‌بایست آنان را آماده سازد تا با ایمان همراه عیسی به قدس‌الاقداص قدس‌گاه آسمانی درآیند، بهره‌ای نیافتند. با رد آن دو پیام پیشین، فهم خود را چنان تیره کرده‌اند که در پیام فرشتهٔ سوم، که راه ورود به قدس‌الاقداص را نشان می‌دهد، هیچ نوری نمی‌بینند. دیدم همان‌گونه که یهود عیسی را به صلیب کشیدند، کلیساهای اسمی نیز این پیام‌ها را مصلوب کرده‌اند؛ از این رو از راه ورود به قدس‌الاقداص آگاهی ندارند و نمی‌توانند از شفاعت عیسی در آنجا بهره‌مند شوند. همچون یهود که قربانی‌های بی‌ثمر خود را تقدیم می‌کردند، آنان نیز دعاهای بی‌ثمر خود را به بخشی که عیسی آن را ترک کرده است تقدیم می‌کنند؛ و شیطان، که از این فریب خشنود است، چهره‌ای دینی به خود می‌گیرد و ذهن‌های این مسیحیان مدعی را به سوی خود می‌کشاند و با قدرت خود، آیات و شگفتی‌های دروغین خود عمل می‌کند تا آنان را در دام خویش محکم سازد. نوشته‌های نخستین، 261-258.

فرازهایی از کتاب «Writings» Writings بارها از طریق خدمت «America» for America تعلیم داده شده است. اما حقایقی که این فرازها بیانگر آن‌هاست، نادیده مانده است.

نشانه‌های راه تاریخ جنبش میلی بر چند جنبش اصلاحی در کتاب مقدس استوارند. بدون قدری آشنایی با نشانه‌های راهی که در هر جنبش اصلاحی یافت می‌شود، تا حد زیادی بعید است کسی اهمیت تمایز میان زمانی که یک پیام «می‌رسد» و زمانی که «قدرت می‌گیرد» را درک کند. همچنین محتمل است که بسیاری از کسانی که با جنبش‌های اصلاحی موازی آشنا هستند، برخی ویژگی‌های بسیار مهم نشانه‌های راه گوناگون جنبش‌های اصلاحی را نادیده گرفته باشند.

«رعدهای هفت‌گانه» که نمایانگر رویدادهای آغاز ادونتیسیم و رویدادهای پایان ادونتیسیم است، نوری است که درست پیش از بسته شدن زمان فیض مهرش گشوده می‌شود. به ما اطلاع داده شده که «رعدهای هفت‌گانه» هم «ترسیمی از رویدادهایی که تحت پیام‌های فرشتهٔ اول و دوم به وقوع می‌پیوستند»، و هم «رویدادهای آینده‌ای که به ترتیب خود آشکار خواهند شد» را نشان می‌دهد. «رعدهای هفت‌گانه» دربردارندهٔ امضای آلفا و امگا است.

«ترسیم وقایعی» که «در ذیل پیام‌های فرشته اول و دوم» رخ داد، نمونه وقایعی است که در ذیل پیام فرشته سوم رخ می‌دهد. وقتی به یوحنا دستور داده شد آنچه هفت رعد بر زبان آوردند را بنویسد، نمونه آن فرمان همان فرمانی بود که به دانیال داده شد تا کتابش را مهر و موم کند؛ زیرا به ما اطلاع داده شده است که پس از آنکه «هفت رعد سخن گفتند»، درباره «کتاب کوچک» همان‌گونه که برای دانیال بود، این حکم به یوحنا می‌رسد: «آنچه را هفت رعد بیان کردند، مهر و موم کن.»»

حزقیال و یوحنا هر دو نشان می‌دهند که قوم خدا در زمان قدرت یافتن فرشته نخست در سال ۱۸۴۰ پیام را می‌خورند، و پیامبر ارمیا ناامیدی‌ای را که هنگامی که پیام فرشته نخست ظاهراً شکست خورده بود در میان قوم خدا رخ داد، به تصویر می‌کشد.

سخنانت را یافتم و آنها را خوردم؛ و کلامت شادی و شادمانی دل من شد، زیرا به نام تو خوانده شده‌ام، ای خداوند، خدای لشکرها. در مجمع استهزاکنندگان ننشستم و شادمانی نکردم؛ به سبب دست تو تنها نشستم، زیرا مرا از خشم آکندی. چرا دردم دائمی است و زخمم درمان‌ناپذیر، که از شفا سر باز می‌زند؟ آیا تو برای من سراسر چون دروغگویی و چون آب‌هایی خواهی بود که خشک می‌شوند؟ پس خداوند چنین می‌گوید: اگر بازگردی، آنگاه تو را باز می‌آورم و در حضور من خواهی ایستاد؛ و اگر گرانها را از پست جدا کنی، چون دهان من خواهی بود؛ بگذار آنان نزد تو بازگردند، اما تو نزد آنان بازنگرد. و تو را برای این قوم دیواری مسین و استوار خواهم ساخت؛ با تو خواهند جنگید، اما بر تو پیروز نخواهند شد، زیرا من با تو هستم تا تو را نجات داده و رهایی بخشم، می‌گوید خداوند. و تو را از دست شیران رهایی خواهم داد، و از چنگ ستمگران باز خریدت خواهم کرد. ارمیا ۱۵:۱۶-۲۱.

ارمیا همچون یوحنا و حزقیال، کلمات کتابچه کوچک را یافته بود و او نیز آن پیام را خورده بود، اما آن پیام به پیامی (آب) بدل شده بود که ناکام مانده بود. گویی خدا دروغ گفته بود، که البته محال است؛ اما اتهام «دروغ» کلیدی به دست می‌دهد تا جایگاه ارمیا را در نخستین سرخوردگی میلری که در حقیق نمایانده شده بود، مشخص کنیم.

بر دیده‌بانی خود خواهم ایستاد و بر برج مستقر خواهم شد، و می‌نگرم تا ببینم به من چه خواهد گفت و چون توبیخ شوم، چه پاسخ دهم. آنگاه خداوند مرا پاسخ داد و گفت: رؤیا را بنویس و آن را بر لوح‌ها روشن بنگار، تا هر که آن را می‌خواند بتواند بدود. زیرا رؤیا هنوز برای زمانی معین است، لیکن در انجام خود به تحقق خواهد رسید و دروغ نخواهد گفت؛ اگرچه دیر کند، منتظرش باش، زیرا بی‌گمان خواهد آمد و درنگ نخواهد کرد. حقیق ۲:۱-۳.

رؤیای پیام فرشته نخستین بر روی نمودار پیشگام ۱۸۴۳ نوشته شده بود که توسط «دست» خدا هدایت شده بود.

من دیده‌ام که نمودار ۱۸۴۳ به دست خداوند هدایت شده بود و نباید تغییر داده می‌شد؛ که ارقام آن همان‌گونه بودند که او می‌خواست؛ که دست او بر آن بود و خطایی را در برخی از ارقام پوشانده بود، چنان‌که هیچ‌کس نمی‌توانست آن را ببیند تا وقتی که دست او برداشته شد. نوشته‌های نخستین، ۷۴.

«وقت معین» سال ۱۸۴۳ بر روی لوح نشان داده شده بود و به همین دلیل آن را لوح ۱۸۴۳ می‌نامند. این لوح در سال ۱۸۴۲ منتشر شد، در تحقق فرمان حقیق که می‌گوید: «رویا را بنویس و آن را بر لوح‌ها آشکار ساز.» قرار بود رویا بر «لوح‌ها»، به صورت جمع، روشن گردد و بدین‌سان نشان می‌داد که پس از آنکه خداوند دست خود را از اشتباه موجود در لوح ۱۸۴۳ برداشت، آن بر لوح پیشگام ۱۸۵۰ تصحیح خواهد شد. آن اشتباه نخستین نومیدی را به بار آورد و ارمیا نماینده کسانی است که در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ کتابچه کوچک را خورده بودند و هنگامی که وقت معین ۱۸۴۳ به وقوع پیوست، مایوس شدند.

وقتی ارمیا در سال ۱۸۴۰ «کتاب کوچک» را خورده بود، آن «شادی و سرور» دل او بود، اما وقتی سرخوردگی فرا رسید، دیگر «شادی نمی‌کرد» و او به سبب «دست» خدا «تنها می‌نشست». دست خدا «اشتباهی در برخی از ارقام» را پوشانده بود و بدین‌سان باعث شد ارمیا احتمال دهد که خدا دروغ گفته است. وعده‌ای که به ارمیا داده شد این بود که اگر از یأس خود «بازگردد»، خدا ارمیا را همچون «دهان» خود خواهد ساخت. اگر ارمیا از سرخوردگی خود به سوی خدا بازگردد و تشخیص دهد که در زمان درنگِ مثل ده باکره است، خدا از او به‌عنوان سخنگو استفاده خواهد کرد تا دقیقاً مشخص کند که رؤیا چه زمانی باید فرا برسد و دیگر درنگ نکند.

هدف از طرح این حقایق در اینجا این است که نشان دهد با همه پیام‌های فرشتگان، «ظهور»ها و «قدرت‌گیری»های آنان، پیامی سرنوشت‌ساز مرگ و زندگی عرضه می‌شود که دو دسته از پرستندگان پدید می‌آورد. سه فرشته، سه گام از یک فرایند آزمون تدریجی‌اند. مهم‌تر برای مقصود ما این است که هرچند فهم «هفت رعد» اندکی پس از فرارسیدن «زمان پایان» در سال 1989، هنگامی که مهر و موم شش آیه پایانی دانیال گشوده شد و این امر پایان دآوری را اعلام کرد، دریافت شد، در پایان تاریخ فرشته سوم مهرگشایی دیگری برای «هفت رعد» وجود دارد.

تاریخ آغاز ادونتیسیم با گشوده شدن مهر فرشته نخست در سال ۱۷۹۸ آغاز می‌شود و با گشوده شدن حقیقتی پایان می‌یابد که خداوند برای پدید آوردن ناامیدی دست خود را بر آن نهاده بود. سپس دست خود را برداشت (مهر را گشود) و پیام زمان تأخیر را آشکار کرد.

تاریخ پایان ادونتیسیم با گشوده شدن مهر پیام فرشته سوم در سال ۱۹۸۹ آغاز می‌شود و با گشوده شدن مهر حقیقتی پایان می‌یابد که خداوند برای پدید آوردن سرخوردگی دست خود را بر آن نگه داشته بود. او اکنون دست خود را برمی‌دارد و بدین‌سان پیام نخستین سرخوردگی و زمان درنگ را مهرگشایی می‌کند. او هدف ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ را مهرگشایی می‌کند.

پس خداوند چنین می‌گوید: اگر بازگردی، تو را بازخواهم آورد و در حضور من خواهی ایستاد؛ و اگر گرانبها را از پست بیرون آوری، چون دهان من خواهی بود. بگذار آنان به سوی تو بازگردند، اما تو به سوی آنان باز مگرد. و تو را برای این قوم دیواری برنجین استوار خواهم ساخت؛ با تو خواهند جنگید، اما بر تو غلبه نخواهند یافت، زیرا من با تو هستم تا تو را نجات دهم و برهانم، می‌گوید خداوند. و تو را از دست شریران رهایی خواهم بخشید و از چنگ جباران بازخواهم خرید. ارمیا
۲۱-۱۵:۱۹.